



خدا در کلاس



قسمت بیست و هشتم



آیت الله مشکینی

متصدیان تعلیم و تربیت بشر

بسم الله الرحمن الرحيم

سخن از گروه سوم معلمین بشر یعنی سلسله پیامبران الهی بود که از طرف حضرت حق بعنوان تعلیم و تربیت جوامع انسانی تعیین شده اند. آنان شریف ترین مخلوق عالم وجود و بدون استثنا بهترین و پاکترین و مقدس ترین موجود جهان هستی حتی فرشتگان مقرب درگاه حق میباشند و اگر سخنی و صحبتی در علم کلام راجع به افضلیت انسان از فرشته و یا عکس آن بیان آمده

باشد مربوط بشاگردان کلاس این گروه یعنی انسانهای عادی و غیر انبیا است و گرنه آنان بی تردید از همه فرشتگان افضل و مقرب تر در نزد حقتعالی هستند.

این اساتید برجسته دانشگاه عالم انسانیت دارای همه صفات فاضله در بالاترین درجه آنها و عاری از همه صفات رذیله و نقائص روحی می باشند و انصافاً اوج افکار و علوم مقام و کمال معنوی و عظمت روحی و شایستگی فطری و اکتسابی آنان بقدری است که صلاحیت آنکه معلمان جوامع انسانی و مر بیان طائفه بشری باشند، را دارند.

در این مقام به برخی از مطالب که در آیات و اخبار در رابطه بامقام آنان آمده، اشاره میکنیم تا علاوه بر آنکه لازم است در مقام شناخت آنان به این مطالب توجه کرد، الگو و ملاک باشد برای همه کسانی که متکفل تعلیم و تربیت در جامعه خویش میباشند و آرزو داریم توفیق آنرا دریابیم، خود را بآنان در انصاف به این مطالب نزدیک سازیم چه آنکه قرب بآنها میزان قرب حق تعالی و دوری از آنها ملاک دوری از الله است.

یک - یکی از طرق تحصیل و قبول شدن در کلاس این معلمان آنکه باید همه شاگردان بارتباط این دسته با خدای تعالی بوسیله وحی آسمانی و القائات غیبی و فرا گرفتن علم و دانش از مبدأ اول و خلاصه بنیوت آنها باور کرده و معتقد باشند و نیز باید بعدالت و عصمت و قداست روح آنان اذعان نمایند. و اگر اعتقاد فوق در محصلین این مدرسه نباشد، مورد پذیرش نخواهند بود گرچه تمام مطالب استاد را دریابند و بر موز مسائل و محتوای دروس و کتب تعلیمات آنها آشنا گردند. و حتی اگر در مرحله عمل نیز کارهای نیک و شایسته از آنها صادر شود که مع ذلک مصداق آیات زیر خواهند بود: «حیث اعمالهم» و اعمالهم کرما داشتند به الريح فی يوم عاصف و «کسراب بقیعة بحسبه الظمان ماء حتی اذا جاءه لم یجده شیئاً فوجد الله عنده فوفاه حسابه»

همه عملهای خیر آنها را از درجه اعتبار انداختیم و باطل کردیم و عملهای خیر آنان همانند خاکستری نرم است در مقابل بادی شدید در روزی که وزش باد بسیار سخت باشد و همه کردارشان چون سراب است که از دور اشعه آفتاب آنرا در چشم انداز انسان آب نشان میدهد و چون بنزدیک برسد چیزی نمی بیند.

و بالجمله در این کلاس مسلمان می پذیرند نه اسلام شناس! این خصیصه یعنی مشروط بودن پذیرش شاگرد در مکتب انبیا با اعتقاد و ایمان و حسن اذعان او مخصوص گروه انبیا و تلامذه و شاگردان آنها است و در کلاسهای آموزشی و دانشگاههای

دیروز و امروز جهان پیدا نمی شود.

این مساله در حوزه های علمی اسلامی و دروس دینی کاملاً مورد دقت است و شاگردان این حوزه ها خود را موظف می بینند در نزد استادی که او را بقداست می شناسند درس بخوانند و علوم و معارف اسلامی از دانشمندی با تقوی و مؤمن و عامل بدانش خویش فرا گیرند.

اینجانب از دانشگاههای اسلامی کشورهای دیگر اطلاع دقیقی ندارم و جز نوشته هایی از حالات آنها ندیده ام لیکن از حوزه های اسلامی تشیع مطلعم و از نزدیک لمس کرده ام که اینان طبق منظور اصلی خداوند در باره اساتید عالم انسانیت و محصلین این کلاس عمل می کنند و دریافته اند که روش تحصیل و شرایط ملحوظه در استاد و شاگرد چگونه باید باشد. اینان بدان منظور که ایمان و اعتقاد خود را در باره استاد حفظ کنند و ضمناً سخنان و دروس القائی آنها در دلشان جا پیدا کند استادی را می پذیرند که علاوه بر دانش و علم عدالت و تقوی داشته باشد و گویا عدالت او را شرط فهمیدن خویش میدانند، گرچه در واقع علم غیر از عمل است و گفتار استاد غیر از کردار وی. اینان چنین می پندارند و چنین نیز هست علمیکه از فیلتر زبان و قلم استاد می گذرد و از کانال گوش و چشم شاگرد بمنزله مغز او وارد می شود (همانند آبی که از خلال سنگها و معدنها عبور کند و موادی از کانها در وی محلول شود) از عقاید و اخلاق و آثار روش استاد در آن جذب می گردد و در روان متعلم اثر میگذارد، و این مطالب را چشمان بینای روح و روانهای آگاه روشنان درک میکنند.

و چنانچه گهگاهی طلاب حوزه علمیه دینی مجبور باشند از استادی بی تقوی، دانش جویند آنرا با کمال احتیاط فرا میگیرند و در لابراتوار مغز خویش تصفیه نموده و تنها دانش مربوطه را استخراج کرده، خلیط و مزج آن را رد میکنند و درست همانند آنکه درزی را در لجن زاری بیابند آنرا بر میدارند لکن میخورند و در کیسه می نهند و روایت مشهور را «الحکمة ضالة المؤمن اینما جدھا اخذھا» دانش و سخن حکیمانه گمشده انسان مؤمن است که در هر جا بیاید برگیرد، بهمین معنی حمل میکنند و بالجمله در مکتب انبیا استادی، مقام شامخ و تعلیم و تربیت، شغلی پر ارج و فرا گرفتن دانش دارای امتیازات و شرایط است.

و حتی در این کلاس اعتقاد و ایمان بیک استاد و اعتراف و اذعان تنها بمعلم آن کلاس نیز کافی نیست و می باید بهمه سلسله این گروه از ابتداء تا نهایت معتقد شد چه آنکه همه از سوی یک مبدأ مأمور و به ابلاغ یک هدف موظف، و به اجتماع در یک محیط بررسی نتایج دعوت، و بالاخره برای برخوردارگی از

پاداش تحصیل و تربیت در یک محیط حاضر خواهند بود. خداوند میفرماید: «والمؤمنون کلّ آمن بالله و ملائکته و کتبه و رسله لا یفرق بین احدی من رسله» (۲۸۵ بقره) همه مؤمنان، بخداوند و فرشتگان و کتابهای آسمانی و به پیامبران او گرویده اند. زبان حال و قال آنها، اینکه ما میان پیامبران الهی در اعتقاد و ایمان و طاعت و انقیاد فرق و امتیازی قائل نیستیم.

تبلیغ با بیانی ساده و روشن

دو: سلسله عظیم انبیا در مراحل تعلیماتی عنایت داشتند با همه اقشار مستمعان و تلامذه درس و افراد حوزه تبلیغی خود با بیانی ساده و روشن و گفتاری صریح و متقن و مطالبی درخور ادراک و متناسب با استعداد آنها سخن بگویند و بدین جهت بود که گفتارشان سرعت اثری چون برق و روشنی قلبی همانند نور و جاذبه روحی همانند کهربا داشت و گویا بی اختیار شنوندگان را به سوی خویش میر بود و تحت تأثیر قرار می داد که حضرت نوح میگوید: «وآتی کلّمنا دعوتهم لنغفر لهم جعلوا اصابعهم فی اذانهم و استغشوا ثيابهم و اصبروا و استکبروا استکباراً» (نوح/۷) پروردگارا هر لحظه که خواستم اینان را بسوی غفرانت دعوت کنم انگشتان در گوش کردند و لباسها بر سر پیچیدند و بر عناد خویش اصرار ورزیدند و از طاعت تو بشدت سر پیچی کردند. چرا انگشت در گوش و لباس بر دور سر می پیچیدند؟ چون سخنان نوح در گوش هر شنونده ای بی اختیار اثر داشت و این از خصائص یک استاد فهمیده است که مطالب را تنزل داده درخور افکار عموم قرار دهد چنانچه یکی از احتمالات در معنی «نزل قرآن» این است که معارف عالیّه آن از عالم بالای علم الهی و مقام والای فهم فرشتگان تنزل یافته تا آنجا که درخور فهم عموم قرار گرفته است. نبی اکرم اسلام «ص» چنین میفرماید: «انا معاشرالانبیاء امرنا ان نكلّم الناس علی قدر عقولهم» (سفینه عقل) ما طائفه پیامبران مأموریت داریم همه حقایق عالیّه دینی و مطالب علوم و معارف را آنچنان تنزل دهیم و به طرز بیانی نمائیم که مطابق افق افکار و درخور خردهای جامعه باشد.

و امام صادق «ع» فرمود: «ما کلم رسول الله العباد بکنه عقله» (سفینه عقل) پیامبر اسلام با احدی از بندگان حق بمیزان عقل خود سخن نگفت. یعنی بمیزان عقل آنان صحبت کرد تا آنکه بفهمند و اذعان نمایند.

کسانی که در مساله آموزش واردند بهتر درک میکنند که یکی از فنون تعلیم و راه صحیح آموزش همین است چه آنکه حقایق و دانش ها در مرحله اول از افق فکر جاهل و نا آشنا فراتر است و تنزل دادن و در قالب الفاظ ساده درآوردن و با مغزها آشنا کردن

آنها بسی مشکل و نیازمند اعمال مهارت است. ولذا برای یک دانشمند عالی مقام، نگارش یک کتاب علمی دقیق بسا میشود که از نوشتن کتاب درسی و یا داستان برای کودک آسان تر باشد.

ما همه طلاب محترم و معلمان عزیز را توصیه میکنیم که از مغلق گوئی و ابهام بیان در سخن خویش بپرهیزند و بکوشند که روشن گو و صریح و لطیف البیان باشند تا اسباب زحمت و یا احساسات انحراف و اعوجاج فهم نباشند.

احتراز از لغزش و خطا

سه: یکی از خصایص و یا شرایط تعلیم این سلسله، احتراز و دوری آنان از لغزش و خطا و انحراف و اشتباه است. این مطلب مهمترین صفت و مؤکدترین شرایط و بارزترین خصیصه سلسله انبیاء است. آنان در موضوع دریافت علوم و معارف از مرحله فراگیری تا ابلاغ در چهار بعد مصونیت داشتند.

بعد اول آنکه یکایک دانش های مربوط را در آن لحظه که از فرشته وحی فرا میگرفتند نه اشتباه میکردند و نه کج فهمی داشتند و نه کسانی از قبیل شیاطین واجته میتوانستند در این مرحله دخالت یا القاء شبهه نمایند.

بعد دوم آنکه در مقام حفظ و نگهداری مطالب عارضه ای بر آنها رخ نمی دهد و فراموش نمی کنند که در نتیجه بدآموزی بیار آید.

ابلاغ و نشر معلومات غیبی

بعد سوم: در مرحله ابلاغ و نشر و رساندن معلومات غیبی بشاگردان عصر خویش و یا همه اعصار دچار خطا و اشتباه نبودند نه عمدا خلاف واقع و دروغ گفته اند و نه اشتباهاً حکمی را بخطا ابلاغ نموده اند، اینان از بدو عمرشان تا آخرین لحظات زندگی و گفتارشان یک کلمه برخلاف واقع بزبان نیاورده اند و یک جمله به اشتباه نسروده اند. و چه امر بزرگ و خطیری بویژه اگر مقایسه با بشرهای رسمی کنیم که فقط دروغهای آنان در طول زندگی یادداشت شود مثوی هفتاد من کاغذ شود.

بعد چهارم آنکه انبیاء در مرحله عمل بگفتار خویش نیز مصون بوده و هیچ گاهی از آنچه گفته اند قدمی برخلاف برنداشته اند و بدین جهت ما آنان را معصوم می دانیم و عاری از همه نقائص.

و بالجمله این رویه در این سلسله شریفه بهمه معلمان و مربیان بشر چنین تفهیم میکند که باید بکوشند از خطا و

انحراف در مرحله فراگیری مطالب و در حفظ آنها و سپس در ابلاغ و بالاخره در عمل مصون و محفوظ باشند چه آن معلم کلاس اول باشد و چه استاد دانشگاه و چه مدرس حوزه طلاب و چه آیت عظمی و چه گوینده و سخنران و چه نویسنده و صاحب قلم و چه قاضی دادگاه و چه مقنن مجلس شورای و چه دیگران. همه ماها موظفیم طبق قضاوت وجدان و دستور اکید انبیاء همه دانشهارا صحیح فرا بگیریم و خوب حفظ کنیم و درست بیان کنیم و بالاخره دانشمند بی عمل و بی تقوی نباشیم. آری «ولکم فی رسول الله اسوة حسنة».

پیامبران از اشتباه و انحراف مصونند

خداوند درباره اینکه پیامبران و سفیران او که آموزگاران و اسوه عملی برای جامعه هستند باید از خطا و اشتباه و یانسیان و انحراف محفوظ باشند چنین میفرماید: «فانه یسلک من بین یدیه ومن خلفه رصداً لیعلم ان قد ابلفوا رسالات ربهم واحاط بما لیدبهم واحصی کل شیء عدداً» (۲۸ جن) خدایتعالی برای اعزایبهای خویش که بمنظور تعلیم جوامع انسانی فرستاده میشوند گروهی از فرشتگان را موکل میسازد که از مقابل رو و پشت سر یعنی از هر طرف او را محافظت کنند. تا چنین نباشد که در فراگیری و حضور ذهن و توضیح و بیان مقصود بخطا افتند. او چنین مقرر داشته تا معلوم شود اهداف عالی الهی موبومسمع بشری میرسید و البته او بآنچه در باطن گوینده و شنونده است آنچنان محیط است که همه چیز را تا حدود ذرات اتمی او بشمارش در آورده. و نیز میفرماید «سفرنک فلاتسی» ای پیامبر مابنو قدرت سخن و گفتار خواهیم داد و تو هیچگاه آنچه را که فرا گرفته باشی فراموش نخواهی کرد.

و بالجمله این خصلت از معلمان جامعه بما بشرها چنین می آموزد که به حد کامل مواظب خویش باشیم و از راه حق و صراط مستقیم منحرف نگردیم.

پروردگارا افکار ما، اندیشه های ما، اخلاق ما، زبانها و سخنان ما، حرکت و تکاپوی ما، قلم و نوشتار ما، فرد و جامعه ما، نهضت و قیام ما، فرهنگ و دانش ما، تعلیم و تربیت ما، صلح و جنگ ما، روابط و ضوابط ما، حال و آینده ما، و بالاخره مادیت و معنویت ما و دنیا و آخرت ما را از کژی و انحراف و سقوط و انحطاط و بلیدی و آلودگی و هر عیب و نقص و شقاوت و ذلت رهائی بخش و این دعائی که بر ما آموختی و حداقل روزی ده بار بدان نحوه درخواست را (اهدنا الصراط المستقیم) بر ما واجب نمودی از ماها تقبل فرما. ما را آنچنان کن که رضایت معلمان حقیقی خویش را جلب کنیم تا بتوانیم رضای تو را بدست آوریم. آمین یارب العالمین.